

بررسی میزان اثربخشی نظام آموزش و پرورش در تربیت سیاسی و اجتماعی دانش آموزان از دید دانشجویان دانشگاه فرهنگیان

اسماعیل جوکار^۱، سیده نجمه مولایی^۲، عباس اناری نژاد^۳، علی جوکار^۴

چکیده

از آنجا که آموزش و پرورش به عنوان مهمترین نهاد تعلیم و تربیت رسمی عمومی، متولی اصلی فرآیند تعلیم و تربیت در همه ابعاد و ساحت‌های تعلیم و تربیت در کشور می باشد، لذا در این راستا مطالعه حاضر در نظر دارد، موفقیت نظام آموزش و پرورش را در تربیت سیاسی و اجتماعی دانش آموزان مورد ارزیابی قرار دهد. جامعه آماری این پژوهش شامل دانش آموختگان دانشگاه فرهنگیان استان فارس می باشد که تحقیقی توصیفی از نوع پیمایشی است. برای انتخاب نمونه آماری، تعداد ۱۸۰ نفر دانشجو به روش نمونه گیری در دسترس از بین تمامی دانشجویان ورودی ۹۳-۱۳۹۲ دانشگاه فرهنگیان استان فارس انتخاب شدند. برای جمع آوری داده‌ها، از پرسشنامه محقق ساخته استفاده گردید که روایی و پایایی آن با روش تحلیل گویه و آلفای کرونباخ محاسبه و مورد تایید قرار گرفت. با تجزیه و تحلیل آماری داده‌های گردآوری شده نتایج زیر حاصل گردید: ۱- از دیدگاه دانش آموختگان، نظام آموزش و پرورش در تربیت سیاسی و اجتماعی دانش آموزان موفق نبوده است. ۲- بین دیدگاه دانشجویان رشته‌های علوم تربیتی و علوم پایه دانشگاه فرهنگیان تفاوت معناداری وجود دارد. ۳- بین دیدگاه دانشجویان پسر و دختر در مورد میزان موفقیت نظام آموزش و پرورش در تربیت سیاسی و اجتماعی دانش آموزان اختلاف معناداری نشان داده نشد. بنا بر نتایج بدست آمده لازم است که مدارس به عنوان اصلی ترین عامل اجرایی در نظام تعلیم و تربیت در ساختار و چارچوب آموزشی، روش‌های یاددهی معلم، اجرای محتوای برنامه درسی، نحوه‌ی برقراری ارتباط با فراگیران و شیوه‌های ارزشیابی تغییراتی را اعمال نماید.

کلید واژه ها: آموزش و پرورش؛ تربیت سیاسی؛ تربیت اجتماعی؛ دانشگاه فرهنگیان.

^۱ کارشناس علوم تربیتی، عضو پرسنلی اداره آموزش و پرورش شهر بالاده، فارس، ایران، نویسنده مسئول، cr.esmail@yahoo.com

^۲ کارشناس علوم تربیتی، عضو پرسنلی اداره آموزش و پرورش شهر بالاده، فارس، ایران

^۳ استادیار، دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید رجایی شیراز

^۴ مدیر دبیرستان آموزش و پرورش شهرستان فراهیند

مقدمه

امروزه آموزش و پرورش در بین تمامی جوامع از اهمیت خاصی برخوردار شده است؛ زیرا به عقیده بسیاری از دانشمندان تعلیم و تربیت، وظیفه آموزش و پرورش، تربیت شهروندانی است که بتوانند برای رشد و شکوفایی جامعه‌ی مردم سالار و تجدید بنای آن تلاش کنند و درصدد تربیت نسلی باشد که بتواند در دنیای پیچیده‌ی کنونی، هم بر سرمایه‌ی دانش خود بیفزاید و هم با افزایش قابلیت همبستگی و نقش‌پذیری خود در ایجاد فضای گروهی که مسئولیت چند جانبه و جمعی به بار می‌آورد، کوشش نماید (بهروش، ۱۳۹۱). حال می‌توان یکی از وظایف خطیر و اساسی آموزش و پرورش را تربیت فراگیران متناسب با این سازمان معرفی کرد؛ اگر تربیت را فراهم کردن زمینه‌های بالندگی، برکشیدن و متعادل کردن آدمی بدانیم و هدف از آن را فعلیت بخشیدن به استعدادها بالقوه انسان‌ها در جهت کمال و قرب الهی در نظر داشته باشیم، نظام آموزش و پرورش در تحقق این امر نقش ارزنده و بسزایی دارد (میرحیدری، ۱۳۸۶) و این سازمان باید با توجه به ساحت شش‌گانه تربیت، دانش آموزان را به طور متوازن در حوزه‌های تربیت علمی و فناورانه، تربیت دینی و اخلاقی، تربیت سیاسی و اجتماعی، تربیت شناختی و هنری، تربیت دینی و جسمانی و در نهایت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای رشد و پرورش دهد؛ به طوری که بتوانند در آینده عنصر مفید و مؤثری برای اعتلای اسلامی به حساب آیند (مبانی نظری تحول‌بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰).

حال با توجه به مطالب بالا می‌توان یکی از مهم‌ترین ساحت‌های شش‌گانه تربیت را حوزه‌ی تربیت سیاسی و اجتماعی دانست؛ زیرا توجه به نیازهای سیاسی و اجتماعی، کودک را برای زندگی با دیگران و در اجتماع آماده می‌کند و بنا بر اینکه انسان یک موجود مدنی بالطبع است، توجه به نیازهای اجتماعی و سیاسی و تغییر و تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی از اصلی‌ترین گام‌های نظام آموزش و پرورش در جهت رسیدن به اهداف تربیتی می‌باشد؛ بنابراین مدارس باید مطابق نیازهای فراگیران برنامه‌هایی در جهت بهره‌مندی از رشد و تکامل اجتماعی طراحی کنند.

بی‌تردید اثربخشی نظام آموزش و پرورش امری مهم و حیاتی در تربیت سیاسی و اجتماعی به حساب می‌آید که، در حقیقت درباره‌ی اثر بخشی تاکنون تعاریف گوناگونی ارائه شده است. در فرهنگ علوم تربیتی، اثربخشی به معنی میزان تحقق اهداف و انجام موفقیت‌آمیز مأموریت آمده است. به تعبیر دیگر اثربخشی به معنای عملکرد و کارایی مطلوب در تخصیص منابع می‌باشد (محمودی، ۱۳۸۶) و همچنین طبق نظر بختیاری (1386) به بیان دیگر اثر بخشی نشان می‌دهد که تا چه میزان از تلاش‌های انجام شده نتایج مورد نظر حاصل شده است (تا چه حد به اهداف رسیده ایم)، در حالی که به نحوه استفاده و بهره‌برداری از منابع برای نیل به نتایج اهداف، به کارایی مربوط می‌شود. در واقع اثربخشی مرتبط به عملکرد (نیل به اهداف) و فراهم آوردن رضایت انسان از تلاش‌های انجام شده است و کارایی مرتبط با بهره‌برداری صحیح از منابع است.

به طور کلی نظام آموزش و پرورش قبل از هر چیز مستلزم انجام مأموریت در راستای تحقق اهداف و رسالت‌هایی است که این نظام در تربیت سیاسی و اجتماعی دانش آموزان بر عهده دارد. زیرا پایه‌های اصلی اثر بخشی، ریشه در تربیت سیاسی و اجتماعی شهروندان جامعه دارد که می‌بایست در فرایند تعلیم و تربیت به مراتب قابل قبولی در زمینه‌های فوق دست یافته باشند و هنگامی می‌توان موفقیت و پیشرفت نظام آموزش و پرورش را اثبات کرد که این سازمان توانسته باشد به وسیله اقدامات و راهکارهای اساسی خود، درجه و میزان نیل به اهداف خود را تعیین کند؛ به عبارت دیگر اثر بخشی سازمان است که نشان می‌دهد تا چه میزان از تلاش‌های انجام شده نتایج مورد نظر حاصل شده است.

لذا بر عهده گرفتن امر تربیت سیاسی و اجتماعی نه تنها از جمله وظایف مسئولین تربیتی، بلکه وظیفه حاکمان آن جامعه نیز می‌باشد (بهشتی و افخمی اردکانی، ۱۳۸۶) و از نظر سول (۲۰۰۳) تربیت سیاسی فرآیندی است که ناظر به تغییر نگرش سیاسی دانش آموزان و افزایش مهارت‌های مشارکتی و قابلیت‌های اجتماعی و ارزش‌گذاری آنها نسبت به حقوق سایر شهروندان می‌باشد و تربیت اجتماعی را می‌توان عمل هدفمندی تلقی نمود که کارکرد آن، زمینه‌سازی برای هدایت افراد جامعه توسط نظام اجتماعی است؛ کاری که از طریق برقراری رابطه تعاملی و چند سویه مربی و متربی صورت می‌پذیرد (حیدری و ساجدی، ۱۳۹۲). بعد از تعریف ماهیت تربیت سیاسی و اجتماعی به صورت منفک لازم است به تعریف تربیت سیاسی و اجتماعی اشاره کرد؛ رجیبان (۱۳۸۹) معتقد است، تربیت سیاسی و اجتماعی، ایجاد زمینه‌ها، رفع موانع و استفاده از عوامل و شیوه‌های مؤثر به منظور پرورش و شکوفایی استعداد‌های سیاسی و اجتماعی متربی و ایجاد تعادل و هماهنگی میان آنها تا متربی در روندی تدریجی و مستمر، با اراده‌ای آزاد و فعال، به شکل درونی، به هدف غایی تربیت یعنی قرب الهی رهنمون شود. با توجه به آنچه گفته شد، لازم است نظام آموزش و پرورش با شناخت ماهیت تربیت سیاسی و اجتماعی به عنوان یکی از مهم‌ترین نیازهای اساسی فراگیران، موثرترین راهبردهای اصولی و حقیقی در جهت تحقق تربیت همه جانبه فراگیران را ایجاد نماید؛ تا بدین وسیله نظام آموزش و پرورش به اهداف از پیش تعیین شده دست یابد. در همین راستا، معمولاً نظام آموزش و پرورش مسئول آماده‌سازی افراد برای زندگی در اجتماع می‌باشند و با روشن شدن اهداف و برنامه می‌توان در جهت اثربخشی اصولی و اساسی این سازمان گام برداشت.

درباره میزان اثربخشی نظام آموزش و پرورش در تربیت سیاسی و اجتماعی، دانش آموزانی که دوره دیپلم را گذرانده‌اند و در حال تحصیل دوره کارشناسی در دانشگاه فرهنگیان هستند، تاکنون پژوهش مستقلی صورت نگرفته است؛ اما تحقیقاتی در رابطه با عوامل مؤثر بر تربیت سیاسی و اجتماعی انجام شده است. در تأیید مطلب فوق می‌توان به نتایج ارزیابی‌هایی که محققان نیز در این زمینه انجام داده‌اند، اشاره کرد.

اطلاعات به دست آمده از میزان اثربخشی برنامه درسی تربیت سیاسی مقطع متوسطه از دیدگاه دبیران و دانش آموزان نشان داد که این برنامه از نظر دانش آموزان کاملاً غیر اثربخش است. (امینی و همکاران، ۱۳۸۸) و اطیابی (۱۳۸۵)

¹. Soule

در تحقیق خود عنوان کرد، مدارس و معلمان از لحاظ تغییر افراد نقش مهمی برعهده دارند و معلمان با انتقال نگرش‌های جدید زمینه‌های اخلاقی، عاطفی، سیاسی و موجب تغییر و پرورش اجتماعی دانش‌آموزان می‌گردد و زنگنه (۱۳۸۲) طی تحقیق خود عوامل فرهنگی موثر بر جامعه پذیری دانش‌آموزان مقاطع راهنمایی و متوسطه استان بوشهر را متغیرهای تحصیلی والدین، وضعیت تحصیلی پاسخگویان، والدین، مدارس و معلمان معرفی کرد.

یافته‌های پژوهشی دیگری چون هزار جریبی و همکاران (۱۳۹۳) به منظور بررسی عوامل موثر در روند جامعه پذیری سیاسی دانشجویان در ج.ا.ا نشان داد که نهادهای دولتی، غیر دولتی و تشکلهای دانشگاهی در شکل‌گیری تربیت سیاسی و اجتماعی دانشجویان موثر است و همچنین سبزی پور (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان «نقش معلمان در فرایند جامعه پذیری»، عواملی چون خانواده، مدرسه، معلمان، همسالان و رسانه‌های جمعی را در تربیت اجتماعی موثر دانست و معتقد است معلمان، مهم‌ترین کارگزاران تعلیم و تربیت، به طور مستقیم یا غیر مستقیم در تعلیم اجتماعی موثرند. نتایج حاصل از تحقیق لنگتون^۱ (۱۹۶۹) نشان داد که پیرامون نقش مدرسه و آثار معلمان و گروه‌های همسالان، باورهای سیاسی معلم، اثر بالقوه مهمی در تقویت اهداف تعیین شده برنامه درسی آموزشی دارد و همچنین هریس^۲ (۱۹۹۵) معتقد است که، نقش مدرسه را باید به عنوان کنترل اجتماعی در نظر گرفت و همچنین سعی می‌کند که تا حد زیادی به القا دانش، نگرش و مهارت به دانش‌آموزان پردازد و آنان را برای شهروندی آینده آماده سازد (قلناش، ۱۳۹۱). در تایید مطالب فوق بولیس^۳ (۲۰۰۳) عنوان کرده است که، از مهمترین موسسات رسمی که به فرایند تربیت سیاسی می‌پردازند، مدارس عام منسوب به حکومت، دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی است که به ارائه‌ی شیوه‌های مطالعاتی معینی از طبیعت جامعه و نظام سیاسی و مکتب سیاسی عام آن می‌پردازند.

حال از آنجا که آموزش و پرورش به عنوان مهمترین نهاد تعلیم و تربیت رسمی عمومی، متولی اصلی فرآیند تعلیم و تربیت در همه ابعاد و ساحت‌های تعلیم و تربیت در کشور می‌باشد، بررسی عملکرد این نهاد در انجام مأموریت و رسالتی که در زمینه تربیت سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان بر عهده دارد، می‌تواند میزان اثربخشی نظام آموزش و پرورش را در فراهم ساختن زمینه دستیابی دانش‌آموزان به مراتبی از تربیت سیاسی و اجتماعی به منظور نقش آفرینی در تربیت سیاسی و اجتماعی ارائه نماید. در همین راستا، مطالعه حاضر در پی آن است که موفقیت نظام آموزش و پرورش را در تربیت سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان مورد ارزیابی قرار دهد؛ تا جایی که فرض اصلی مقاله آن است که با بررسی و واکاوی دیدگاه دانشجو معلمان می‌توان گامی اساسی و اصولی در جهت پیشبرد روش‌های آموزشی تربیت سیاسی و اجتماعی در دانشگاه فرهنگیان برداشته شود و از این طریق معلمان تربیت یافته در دانشگاه فرهنگیان، در نسل آینده می‌توانند با ماهیت راهبردهای اصلی تربیت سیاسی و اجتماعی آشنا شوند.

¹ langton

² harris

³ Bullis

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و به لحاظ شیوه اجرای تحقیق و جمع آوری داده‌ها، تحقیقی توصیفی از نوع پیمایشی می‌باشد؛ زیرا در پی آن است که میزان موفقیت نظام آموزش و پرورش در تربیت سیاسی و اجتماعی دانش آموزان را مورد توصیف و بررسی قرار دهد.

جامعه آماری این پژوهش شامل دانش آموختگان آموزش و پرورش استان فارس می‌باشد. برای انتخاب نمونه آماری، تعداد ۱۸۰ نفر دانشجو (به عنوان دانش آموخته نظام آموزش و پرورش) به روش نمونه‌گیری در دسترس از بین تمامی دانشجویان ورودی ۹۳-۱۳۹۲ دانشگاه فرهنگیان استان فارس انتخاب شدند.

برای جمع آوری داده‌های مورد نیاز تحقیق، از پرسشنامه محقق ساخته استفاده گردید. برای این منظور با استفاده از اهداف در نظر گرفته شده در زمینه سیاسی و اجتماعی مربوط به دوره‌های ابتدایی و متوسطه آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۲)، عبارات مورد نظر در قالب دو پرسشنامه (شامل تربیت سیاسی و تربیت اجتماعی) در مقیاس لیکرت تنظیم گردید که میزان موفقیت نظام آموزش و پرورش در تربیت سیاسی و تربیت اجتماعی دانش آموزان را از نظر دانش آموختگان روی یک مقیاس پنج درجه‌ای (از خیلی کم تا خیلی زیاد) می‌سنجید. روایی محتوایی پرسشنامه با استفاده از روش تحلیل گویه بررسی و مورد تایید قرار گرفت که ضریب همبستگی گویه‌ها به صورت کم‌ترین و بیشترین میزان در دامنه‌ای بین ۰/۴۰ و ۰/۶۸ در سطح ۰/۰۰۱ معناداری به دست آمد. پایایی ابزار نیز با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ به میزان ۰/۹۶ تایید گردید.

نتایج

از مجموع ۱۸۰ پرسشنامه توزیع شده، ۱۵۲ پرسشنامه تکمیل شده به دست آمد. اطلاعات جمعیت شناختی دانشجویان مورد مطالعه در جدول ۱ خلاصه شده است.

جدول ۱: مشخصات جمعیت شناختی دانشجویان مورد مطالعه

مشخصات	تعداد	درصد
جنسیت		
پسر	۷۲	
دختر	۸۰	
رشته تحصیلی		
علوم پایه	۴۱	
علوم تربیتی	۱۱۱	
جمع	۱۵۲	۱۰۰

دیدگاه دانش

سوال اول: از

آموزش‌گاران، نظام آموزش و پرورش تا چه اندازه در تربیت سیاسی دانش‌آموزان موفق بوده است؟ جدول شماره (۲) میانگین موفقیت نظام آموزش و پرورش در تربیت سیاسی دانش‌آموزان و نیز مقایسه آن با معیارهای سطح کفایت قابل قبول (Q_2) و سطح کفایت مطلوب (Q_3) را نشان می‌دهد. بر اساس نتایج این جدول، میانگین موفقیت نظام آموزش و پرورش در تربیت سیاسی دانش‌آموزان از سطح کفایت مطلوب ($Q_3=4$) پایین‌تر می‌باشد و بر اساس مقدار t به دست آمده در درجه آزادی ۱۵۱ تفاوت معناداری در سطح $0/0001$ بین این دو میانگین به دست آمده است. همچنین ملاحظه می‌شود که میانگین موفقیت نظام آموزش و پرورش در تربیت سیاسی دانش‌آموزان ($1/96$) پایین‌تر از سطح کفایت قابل قبول ($Q_2=3$) می‌باشد و بر اساس مقدار t به دست آمده در درجه آزادی ۱۵۱ تفاوت معناداری در سطح $0/0001$ بین این دو میانگین وجود دارد. این یافته‌ها به آن معنا است که از نظر دانش‌آموزان، موفقیت نظام آموزش و پرورش در تربیت سیاسی دانش‌آموزان از سطح کفایت قابل قبول نیز پایین‌تر است.

جدول ۲: میزان موفقیت نظام آموزش و پرورش در تربیت سیاسی دانش‌آموزان

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	سطح کفایت قابل قبول (Q_2)	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری	سطح کفایت مطلوب (Q_3)	مقدار t	سطح معناداری
سیاسی	۱/۹۶	۰/۶۲	۳	۲۰/۵۴	۱۵۱	۰/۰۰۰۱	۴	۴۰/۳۲	۰/۰۰۰۱

سوال دوم: از دیدگاه دانش‌آموزان، نظام آموزش و پرورش تا چه اندازه در تربیت اجتماعی دانش‌آموزان موفق بوده است؟

جدول شماره (۳)، میانگین موفقیت نظام آموزش و پرورش در تربیت اجتماعی دانش‌آموزان و نیز مقایسه آن با معیارهای سطح کفایت قابل قبول (Q_2) و سطح کفایت مطلوب (Q_3) را نشان می‌دهد. بر این اساس، میانگین موفقیت نظام آموزش و پرورش در تربیت اجتماعی دانش‌آموزان، از سطح کفایت مطلوب ($Q_3=4$) پایین‌تر می‌باشد و بر اساس مقدار t به دست آمده در درجه آزادی ۱۵۱ تفاوت معناداری در سطح $0/0001$ بین این دو میانگین به دست آمده است. همچنین، میانگین موفقیت نظام آموزش و پرورش در تربیت اجتماعی دانش‌آموزان ($2/03$) پایین‌تر از سطح کفایت قابل قبول ($Q_2=3$) می‌باشد، اما بر اساس مقدار t به دست آمده در درجه آزادی ۱۵۱ تفاوت معناداری در سطح $0/0001$ بین این دو میانگین وجود دارد. این یافته‌ها به آن معنا است که از نظر پاسخ‌دهندگان موفقیت نظام آموزش و پرورش در تربیت اجتماعی دانش‌آموزان از سطح کفایت قابل قبول نیز پایین‌تر می‌باشد.

جدول ۳: میزان موفقیت نظام آموزش و پرورش در تربیت اجتماعی دانش‌آموزان

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	سطح کفایت قابل قبول (Q2)	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری	کفایت مطلوب (Q3)	مقدار t	سطح معناداری
اجتماعی	۲/۰۳	۰/۷۱	۳	۱۶/۶۲	۱۵۱	۰/۰۰۱	۴	۳۳/۸۸	۰/۰۰۱

سوال سوم: آیا بین دیدگاه دانشجویان رشته‌های علوم تربیتی و علوم پایه دانشگاه فرهنگیان در مورد میزان موفقیت نظام آموزش و پرورش در تربیت سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟ یافته‌های پژوهش نشان داد که در مجموع، میانگین نمره دیدگاه دانشجویان رشته علوم تربیتی در زمینه تربیت سیاسی و اجتماعی نسبت به دانشجویان رشته علوم پایه بالاتر بود. به کارگیری آزمون t مستقل نشان داد که بین دیدگاه دانشجویان رشته‌های علوم تربیتی و علوم پایه دانشگاه فرهنگیان در مورد تربیت سیاسی و اجتماعی تفاوت معناداری (در سطح ۰/۰۵) وجود دارد. حاصل آزمون t در جدول (۴) خلاصه شده است.

جدول ۴: مقایسه دیدگاه دانشجویان رشته‌های علوم تربیتی و علوم پایه دانشگاه فرهنگیان

در مورد میزان موفقیت نظام آموزش و پرورش در تربیت سیاسی و اجتماعی

ابعاد تربیت	رشته	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	t	درجه آزادی	سطح معناداری
تربیت سیاسی	علوم تربیتی	۱۱	۲/۰۲	۰/۶۰	۲/۳	۱۵۰	۰/۰۵
	علوم پایه	۴۱	۱/۷۷	۰/۶۴			
تربیت اجتماعی	علوم تربیتی	۱۱	۲/۱۱	۰/۶۸	۲/۰	۱۵۰	۰/۰۵
	علوم پایه	۴۱	۱/۸۱	۰/۷۵			

سوال چهارم: آیا بین دیدگاه دانشجویان پسر و دختر دانشگاه فرهنگیان در مورد میزان موفقیت نظام آموزش و پرورش در تربیت سیاسی دانش‌آموزان تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟ آزمون آماری t مستقل، اختلاف معناداری بین دیدگاه دانشجویان پسر و دختر در مورد میزان موفقیت نظام آموزش و پرورش در تربیت سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان نشان نداد.

بحث، نتیجه گیری و پیشنهادات

این مطالعه به ارزیابی میزان موفقیت نظام آموزش و پرورش در تربیت سیاسی و اجتماعی دانش آموزان از دیدگاه دانش آموختگان آموزش و پرورش استان فارس پرداخته و هدف آن بررسی میزان اثربخشی آموزش و پرورش در تربیت سیاسی و اجتماعی دانش آموزان است.

از یافته‌های این پژوهش که در پاسخ به سوال اول به دست آمده است، می‌توان نتیجه گرفت که از دیدگاه دانش آموختگان، نظام آموزش و پرورش در تربیت سیاسی دانش آموزان موفق نبوده است؛ به طوری که موفقیت نظام آموزش و پرورش در تربیت سیاسی دانش آموزان از سطح کفایت قابل قبول نیز پایین‌تر است.

همچنین بر اساس نتایج بدست آمده در پاسخ به سوال دوم پژوهش، اینگونه استنباط می‌شود که از دیدگاه دانش آموختگان، نظام آموزش و پرورش در تربیت اجتماعی دانش آموزان عملکرد موفقیت‌آمیزی نداشته است. در این رابطه نیز میزان موفقیت نظام آموزش و پرورش در تربیت اجتماعی دانش آموزان از سطح کفایت قابل قبول نیز پایین‌تر می‌باشد. در پاسخ به سوال سوم تحقیق، نتایج نشان داد که، بین دیدگاه دانشجویان رشته‌های علوم تربیتی و علوم پایه دانشگاه فرهنگیان در مورد میزان موفقیت نظام آموزش و پرورش در تربیت سیاسی و اجتماعی دانش آموزان تفاوت معناداری وجود دارد؛ که در مجموع میانگین نمره دیدگاه دانشجویان رشته علوم تربیتی در زمینه تربیت سیاسی و اجتماعی نسبت به دانشجویان رشته علوم پایه بالاتر بود.

همچنین نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها در پاسخ به سوال چهارم پژوهش، حاکی از آن است که بین دیدگاه دانشجویان پسر و دختر دانشگاه فرهنگیان در مورد میزان موفقیت نظام آموزش و پرورش در تربیت سیاسی دانش آموزان تفاوت معناداری وجود ندارد.

حال بطور کلی نتایج به دست آمده در این تحقیق نشان می‌دهد که دانش آموختگان آموزش و پرورش معتقدند که نظام آموزشی کشور، در راه تحقق اهداف سیاسی و اجتماعی که برای تربیت دانش آموزان در دوره‌های مختلف تحصیلی پیش بینی شده، موفق نبوده است. به عبارت دیگر، نظام آموزش و پرورش در تربیت سیاسی و اجتماعی دانش آموزان نتوانسته انتظارات را حتی در حد قابل قبول برآورده نماید. نتایج چنین تحقیقی بیانگر این مطلب است که نظام آموزش و پرورش در سازماندهی، تقویت و آموزش درونی تربیت سیاسی و اجتماعی، اقدامات اصولی و اساسی در پیش نگرفته است و می‌توان علل و عوامل چنین مشکلات و معایبی را در برنامه‌ریزی‌های نظام آموزش و پرورش جست و جو کرد و شاید یکی از مهم‌ترین این علت‌ها را می‌توان تئوری و غیر کاربردی آموزش دادن مفاهیم و تعابیرهای تربیت سیاسی و اجتماعی دانست و با وجود آنکه در مدارس به مولفه‌های اساسی تربیت سیاسی و اجتماعی به صورت محدود پرداخته می‌شود و در قالب امتحانات مورد ارزشیابی قرار می‌گیرد؛ ولی در دنیای واقعی از فراگیران خواسته نمی‌شود که

به صورت عملی این مفاهیم را به کار ببرند. در نتیجه، وجود چنین مشکلی ریشه در ضعف‌ها و نارسایی‌هایی دارد که سالهاست دست به گریبان این نظام می‌باشد و امروزه لزوم تغییر و تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش را ضروری ساخته است.

طی بررسی‌های انجام شده در این پژوهش می‌توان اظهار کرد که برنامه‌ها و رویکردهایی در جهت آموزش کاربردی تربیت سیاسی و اجتماعی در مدارس طراحی نشده است و در حال حاضر، فراگیران، تنها توانایی ارائه توضیحات بسیار نامفهوم و شناخت و آگاهی بسیار محدود از تربیت سیاسی و اجتماعی دارند. در همین رابطه به عقیده مللور^۱ (۱۹۹۷)، عدم شناخت و آگاهی دانش‌آموزان نسبت به فرآیندهای سیاسی و اجتماعی نهایتاً منجر به بی‌تفاوتی و بی‌توجهی آنها به مسائل و پدیده‌های سیاسی و اجتماعی پیرامون خود شده است. از نظر وی علت اصلی این وضعیت نامناسب، فقدان یک برنامه درسی جامع، منسجم و مدون است که از طریق آن می‌توان عملاً آگاهی‌ها و بینش‌های لازم در مورد پدیده‌ها و جریان‌های سیاسی و نیز مهارت‌های اصلی تصمیم‌گیری جهت رفع تعارضات را در مدرسه به دانش‌آموزان ارائه و آموزش داد. در تایید مطلب فوق می‌توان به مطالعه‌ی امینی و همکاران (۱۳۸۸) اشاره کرد که طی این بررسی نشان داد، میزان اثربخشی برنامه درسی تربیت سیاسی مقطع متوسطه از دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان از نظر دانش‌آموزان کاملاً غیر اثربخش است و می‌توان دلیل اصلی این مشکل را در اجرای نامناسب برنامه‌های درسی عنوان کرد. همچنین در پژوهشی دیگر، افهمی^۲ (۱۳۸۵) در خصوص محتوای سیاسی کتب درسی ابتدایی مفاهیم و آموزه‌های سیاسی در سه بخش آموزشی، نگرش و رفتار سیاسی مورد بررسی قرار گرفت که نهایتاً رفتار سیاسی کمتر در دروس دوره‌ی ابتدایی آموزش داده شده است و هدف، صرفاً ارائه‌ی اطلاعات یا دانش‌های سیاسی به دانش‌آموزان بوده است. بنا بر گفته‌ی گاتمن^۳ (۱۹۸۹) تربیت سیاسی دانش‌آموزان و شهروندان، آنها را برای مشارکت فعالانه در فرآیند بازسازی، اصلاح و بهبود آگاهانه جامعه خویش آماده می‌سازد و طبق بررسی‌های انجام شده در این تحقیق، فراگیران روحیه، اشتیاق، توجه و احترام لازم را در رابطه با مسائل سیاسی ندارند، تا جایی که تلاش و اقدامات آنها در این زمینه بسیار محدود است.

حال بنا به گفته‌های فوق، نظام آموزشی، مسئولیت‌پذیری، انجام تکالیف فردی و اجتماعی، تحلیل و بررسی مسائل اجتماعی، آموزش روابط جمعی، نقادی و نقد‌پذیری و ... را در فراگیران به شیوه‌ی صحیح و اصولی تعلیم نمی‌دهد؛ به روابط و تعاملات گروهی، فرصت بحث و استدلال، ارائه اظهار نظر و پرورش تفکر نمی‌پردازند، بلکه دانش‌آموزان را به درس خواندن و موفقیت و پیشرفت تحصیلی تشویق می‌کنند. تورنی و همکاران^۳ (۱۹۶۷) در تحقیقات خود به این نتیجه دست یافتند که آموزش و پرورش رسمی و به طور خاص مدارس عمومی، یکی از مهمترین و مؤثرترین عوامل در جامعه

^۱. Mellor

^۲. Gutmann

^۳ Tourni et al

پذیری سیاسی افراد محسوب می‌شوند (ایچیلوو^۱، ۱۹۹۰)؛ اما طبق مطالعه‌ی انجام شده تأکید مدارس بیشتر در جهت پرورش و تقویت محفوظات کتب‌های درسی می‌باشد. تا جایی که صمد آقایی (۱۳۸۵) معتقد است، نظام آموزشی مبتنی بر تفکر عمودی یا منطقی که در آن گفتار و کردار فی‌البداهه کودک تبدیل به گفتار و کرداری استاندارد و کلیشه‌ای می‌گردد، نظام آموزشی که عین مطلب را تحویل دهد، آموزشی که روش خاص را تعیین کرده و آن را اجباری می‌کند، نظام آموزشی‌ای که معلم به شاگرد می‌گوید: فکر کردن را رها کن و به من گوش بده؛ و به طور کلی نظام آموزشی‌ای که کودکان را جام‌های خالی می‌داند که باید معلم آنها را پر کند و یا گل‌های کوزه‌گری که باید به دلخواه رنگ و شکل گیرند، یکی از بزرگترین موانع بر سر راه تربیت به معنای صحیح آن هستند. این مورد تا به جایی است که علاقه‌مند (1382) بقا و پویایی هر جامعه را در گرو انتقال باورها، نگرش‌ها، آگاهی‌ها، مهارت‌ها و ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به نسل جوان می‌داند و بنابر مضامین گفته شده، نظام تعلیم و تربیت در مسیر تربیت سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان لازم است فراگیران خود را در جهت شناخت و آگاهی از اصول، مبانی و احترام به مظاهر سیاسی و اجتماعی در مسیر علاقه‌مندی و توجه به مسائل مشترک بشری، همکاری و توسعه روابط فرهنگی، رعایت حقوق دیگران، اعتبار بخشیدن به دیدگاه‌های دیگران، توانایی دفاع از میهن و تمایل و علاقه‌مندی به تشکیل خانواده تمرکز و توجه بیشتری مبدول دارند.

از میان تمامی فراگردهای مؤثر بر خصلت نظام‌های سیاسی و اجتماعی، فراگرد آموزش و فراگیری از همه مهم‌تر است (بلوم^۲، ۱۳۷۳) به طوری که می‌توان مهم‌ترین سازمان و نهاد تعلیم و یاددهی را مدارس معرفی کرد. به طور کلی جامعه‌پذیری در مدرسه از خلال ساختار آموزشی، سازمان مدرسه، محتوای برنامه درسی، منابع آموزشی و کمک آموزشی، فضای کلاس و نحوه‌ی تدریس، نظام ارتباطی و فضای اجتماعی مدرسه و آیین‌ها و رسوم جاری حاصل می‌شود (رابرتسون، ۱۳۷۷)؛ تا جایی که در مطالعه‌ی انجام شده، نقش بیشتر مدرسان به عنوان انتقال‌دهنده اطلاعات از یاد‌دهنده به یادگیرنده معرفی گشت و معلمان روش‌ها و شیوه‌های متنوع آموزشی تربیت سیاسی و اجتماعی برای فراگیران اعمال نمی‌کردند. همچنین در مطالعه‌ی ربانی و همکاران (۱۳۸۷) طی تحلیل و بررسی نقش معلمان بر میزان جامعه‌پذیری سیاسی دانش‌آموزان دوره متوسطه، یافته‌های تحقیق نشان داد که با تغییر نگرش و جهت‌گیری سیاسی و اجتماعی معلمان، نگرش و جهت‌گیری سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان نیز تغییر می‌یابد و همچنین راسل و همکاران^۳ (۱۹۸۱) در تحقیق خود ارتباط میان رفتار معلم نسبت به دانش‌آموزان را با شکل‌گیری نگرش‌های سیاسی در آنها مورد بررسی قرار داده و نتیجه می‌گیرند که شیوه، نوع برخورد و تعامل معلم با دانش‌آموزان بر روی ایجاد و رشد نگرش‌های سیاسی و اجتماعی آنان تأثیر می‌گذارد. همچنین آنها تأکید می‌کنند، هنگامی که معلم با دانش‌آموزان به گونه‌ای منصفانه برخورد

¹. ichilov

². Bloom

³. Rossel et al

کرده و نسبت به دیدگاه‌ها و مشکلات آنها توجه و علاقه مندی نشان می‌دهد، دانش آموزان نیز به لحاظ سیاسی کمتر دچار بی تفاوتی و بدبینی می‌گردند.

حال با توجه به مطالب بالا می‌توان عنوان کرد که تجزیه و تحلیل بررسی‌های انجام شده این تحقیق نشانگر آن است که اگر چه بیشتر محققان و پژوهشگران، آموزش و تعلیم مدرسه‌ای را عامل اصلی و کلیدی در پرورش و شکوفایی تربیت سیاسی و اجتماعی می‌دانند؛ اما ارگان‌ها و نهادهای بیرونی از مدرسه که نقش حمایتی از سازمان مدرسه دارند، نیز می‌توانند در تقویت تربیت سیاسی و اجتماعی موثر باشند و علاوه بر نکات گفته شده در تربیت سیاسی و اجتماعی عواملی چون زمینه‌های فرهنگی خانواده، علایق سیاسی آنها و نیز مشارکت در گروه‌های داوطلبانه محلی و اجتماعی نیز در رشد سیاسی و اجتماعی فراگیران تاثیر فراوانی دارد.

به طور خلاصه و با توجه به نتایج این تحقیق می‌توان اذعان کرد که میزان اثربخشی نظام آموزش و پرورش در تربیت سیاسی و اجتماعی نا موفق بوده است. وجود چنین مشکلاتی چون عدم پیشرفت و رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده تربیت سیاسی و اجتماعی آموزش و پرورش، الزام می‌دارد که مدارس به عنوان اصلی ترین عامل اجرایی در نظام تعلیم و تربیت در ساختار و چارچوب آموزشی، روش‌های یاددهی معلم، اجرای محتوای برنامه درسی، نحوه‌ی برقراری ارتباط با فراگیران و شیوه‌های ارزشیابی تغییراتی را اعمال نماید. همچنین می‌توان اثربخش ترین مسیرهای رسیدن به تربیت سیاسی و اجتماعی در جهت تحقق اهداف آموزش و پرورش را فراهم آوردن فضای مشارکتی در مدارس، توانایی دوست یابی، سپردن مسئولیت‌های گروهی و فردی، آموزش احترام به فرهنگ‌های مختلف، فرصت مذاکره و تحلیل سیاسی در مدارس توسط معلمان و کارکنان معرفی کرد. تا جایی که لازم است معلمان توجه و تکیه به نمرات امتحانات را تغییر دهند و سعی نمایند ساحت‌های تربیت را مهم تر از آموزش تلقی کنند و در نهایت آموزش مفاهیم را به گونه‌ای به فراگیران انتقال دهند تا بدین وسیله رویکرد حافظه محوری، انتقال اطلاعات و معلومات و توجه به مطالب تئوری کتاب‌های درسی را مورد نقد و بررسی قرار دهند و با استفاده از روش‌های درونی کردن مفاهیم میزان مشارکت فراگیران را افزایش دهند.

بنابر آنچه گفته شد، نظام آموزش و پرورش در حال حاضر در جهت تحقق اهداف تربیت سیاسی و اجتماعی جهت گیری مثبت و رو به پیشرفتی را تا به امروز طی نکرده است و بایستی با یک نگاه نقادانه و متفکرانه به این موضوع، شرایط موجود را به سمت هدف اصلی سند تحول بنیادین یعنی رسیدن به مراتب حیات طیبه رهنمود ساخت. همچنین هر طرح تحقیقاتی که اجرا می‌شود، ممکن است چندین مزیت و محدودیت داشته باشد. در این طرح نو بودن ایده در بررسی دانشگاه فرهنگیان از جمله مزایا و عدم همکاری تمامی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان و عدم مشارکت تمامی دانشگاه‌های استان فارس در اجرای این تحقیق و عدم تعمیم نتایج به دلیل نمونه گیری در دسترس را به عنوان محدودیت‌های این طرح می‌توان نام برد.

حال با توجه به نتایج تحقیق صورت گرفته شده، در زیر تعدادی پیشنهاد جهت موفقیت اجرای تربیت سیاسی و اجتماعی در جهت تحقق اهداف آموزش و پرورش ذکر شده است. این موارد عبارتند از:

۱. دانش آموختگان معتقد بودند که، تربیت سیاسی و تربیت اجتماعی مطابق با اهداف آموزش و پرورش در مدارس آموزش داده نشده است؛ بنا بر نتایج به دست آمده لازم است که، دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی جهت آشنایی معلمان با مفاهیم و تعابیر تربیت سیاسی و اجتماعی برگزار شود؛ تا بدین وسیله معلمان با مفاهیم اصولی و اساسی تربیت سیاسی و اجتماعی آشنا شوند و همچنین لازم است که در دانشگاه فرهنگیان، دوره‌هایی جهت ارائه تجارب آموزشی معلمان با تجربه و کار آزموده برای دانشجویان (دانشجو معلمان) برگزار شود؛ تا از این طریق معلمان تجارب عملی خود را در رابطه با شیوه‌های آموزش دادن تربیت سیاسی و اجتماعی عنوان کنند.

۲. ارزیابی عملکرد و روش‌های تدریس معلمان در جهت آموزش تربیت سیاسی و اجتماعی، یکی از مهمترین فعالیت‌هایی است که بایستی توسط آموزش و پرورش اعمال شود؛ زیرا از این طریق عملکرد شیوه‌های آموزشی معلمان بررسی می‌شود و می‌تواند در روش‌های خود تغییراتی ایجاد کند.

۳. برنامه‌ها و اقدامات فعالانه در مدارس جهت فعالیت و ایجاد روحیه همکاری و همیاری در تربیت اجتماعی دانش‌آموزان در مدارس بایستی اجرا شود و مدارس دانش‌آموزان را در فعالیت‌های گروهی و مشارکتی شرکت دهد.

۴. روش‌های آموزشی و کاربردی در جهت تفهیم مفاهیم تربیت سیاسی و اجتماعی توسط معلمان لازم است که اجرا شود و مدارس بایستی نگرش حافظه محوری خود را تغییر دهند و اقدامات کاربردی در جهت تربیت سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان انجام دهند.

منابع

۱. اطیابی، سیده فریبا (۱۳۸۵). "نقش معلم در جامعه پذیری دانش‌آموزان". ۲۷ پیوند، نشریه ماهانه آموزشی و تربیتی، شماره ۳۲۹.
۲. افهمی، بنفشه (۱۳۸۵). "بررسی مضامین و آموزه‌های سیاسی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی". نشریه پژوهش‌های تربیت اسلامی، شماره ۲، ص ۷ تا ۲۸.
۳. امینی، محمد؛ صدیق ارفعی، فریبرز و قدمی، ملوک (۱۳۸۸). "بررسی اثربخشی برنامه درسی تربیت سیاسی مقطع متوسطه از دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان: مطالعه موردی شهر کاشان"، دو ماهنامه علمی - پژوهشی دانشور رفتار، دانشگاه شاهد، سال شانزدهم - شماره ۳۶، ص ۴۱ تا ۵۴.

۴. اهداف دوره های ابتدایی، راهنمایی و متوسطه آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، قابل دسترسی از: www.Elementary.Talif.Sch.Ir/?Page_id=Www.Elementary&menu_id=1&menu_item_id=20
۵. بختیاری، ابولفضل (۱۳۸۶). "ویژگی های مدیر و مدرسه کارا و اثربخش"، پژوهشی آموزش و اطلاع رسانی مدرس، شماره ۲.
۶. بلوم، ویلیام (۱۳۷۳). "نظریه های نظام سیاسی، کلاسیک های اندیشه و تحلیل سیاسی نوین". ترجمه ی احمد تدین، جلد اول، نشر آران.
۷. بهروش، علی (۱۳۹۱). آموزش و پرورش و شهروندی، مرکز یادگیری سایت تبیان، قابل دسترسی از سایت: <http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=231374>
۸. بهشتی، سعید و افخمی اردکانی، محمدعلی (۱۳۸۶). تبیین مبانی و اصول تربیت اجتماعی در نهج البلاغه تربیت اسلامی، سال دوم، ش ۴.
۹. حیدری، محمد شریف؛ ساجدی، ابولفضل (۱۳۹۲). "موانع تربیت اجتماعی کودکان در خانواده امروزی". معرفت، سال بیست و دوم. شماره ۱۹۴، ۱۱۵-۱۲۳.
۱۰. رابرتسون، یان (۱۳۷۷). درآمدی بر جامعه، انتشارت آستان قدس رضوی، چاپ سوم.
۱۱. ربانی، رسول؛ جعفری نژاد، مسعود؛ سبزی پور، حامد (۱۳۸۷). "بررسی تحلیل نقش معلمان بر جامعه پذیری سیاسی دانش آموزان دوره ی متوسطه" مطالعه موردی بخش پیر بکران شهریور ۱۳۸۵، مجله دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، سال ۱۹، شماره ۴.
۱۲. رجیبیان، منصور (1389). "تربیت اجتماعی سیاسی از منظر قرآن و نهج ابلاغه". قم، دفتر برنامه ریزی تربیتی.
۱۳. زنگنه، محمد (1382). "بررسی عوامل فرهنگی مؤثر بر جامعه پذیری نوجوانان و جوانان". کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی نامه پژوهش فرهنگی، شماره ۷، از ۲۹ تا ۵۸.
۱۴. سبزی پور، حامد (۱۳۹۱). "نقش معلم در فرایند جامعه پذیری". فصل نامه رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره ۵۵.
۱۵. صمدآقایی، جلیل (۱۳۷۷). "از کارآفرینی تا جان آفرینی". ماهنامه تدبیر، شماره ۷۸، آبان ماه ۱۳۷۷.
۱۶. علاقه بند، علی (۱۳۸۲). "جامعه شناسی آموزش و پرورش". چاپ سی و دوم، تهران: نشر روان.
۱۷. قلتاش، عباس (۱۳۹۱). "مبانی اجتماعی و سیاسی تعلیم و تربیت: بررسی تطبیقی رویکردها و دیدگاه های تربیت شهروندی"، پژوهش نامه مبانی تعلیم و تربیت، ۲(۱)، ۴۷-۶۴.

۱۸. مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰).
- شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۱۹. محمودی، امیر حسین (۱۳۸۶). "شایستگی حرفه ای معلم اثربخش"، پژوهشی آموزش و اطلاع رسانی مدرس، شماره ۱.
۲۰. میرحیدری، اشرف (۱۳۸۶). جایگاه معلم در نظام های آموزشی. پژوهش و تحقیقات آموزش و پرورش اصفهان.
۲۱. هزار جریبی، جعفر؛ کریمی، غلامرضا؛ فرهادی، عباس (۱۳۹۳). "بررسی عوامل موثر در روند جامعه پذیری سیاسی دانشجویان در ج ا". علوم سیاسی: پژوهش های راهبردی سیاست: شماره ۳۹ (علمی و پژوهشی)، از ۹۵-۱۲۰.
22. Bullis, C and B. Bach, (2003), *Socialization Turning Points: An Examination of Change in Organizational Identification*, Paper Peresented at the Annual Meeting of the Western Speech Communication Association Spokane, W A. ERIC Document Number ED.
23. Gutmann, Amy (1989). *Democratic education* Princeton University Press. New Jersey. P. 287.
24. Ichilov, orit, (1990). "What text books teach Israeli youngsters about democracy". URL: <http://WWW.bis-uni-oldenburg.de>
25. Langton, Keneth r (1969). *Political socialization*. New York: oxford University press, Inc.
26. Mellor , Suzanne (1997) Civic understanding and political attitudes. Available at: <http://www.aare.edu.au/97pap/mells253.ht>.
27. Rossel , Christine H. Hawley , willis D. (1981) The relationship between teacher behavior toward students and student political attitudes: The development of political cynicism. Available at: <http://www.eric.ed.gov/ERICWebPortal>.
28. Soule, Suzanne Ruby (2003). *The crucible of democracy: civic education in Bosnia and Herzegovina* (dissertation). University of California, Santa Barbara. Available in. www.proquest.com.